

حاج فرج دباغ (= عبدالکریم سروش) ایشان را ممکن است جوانان ایران بخوبی نشناسند ولی من که این " آقا زاده " را می‌شناسم! ایشان يك آخوندزاده ئی پروده ئی دولت فخمه و شیعه پناه و آخوند پرور انگلستان هستند. ایشان حتی از استادانی مانند کارل پوپر سود بردند و میدانم چگونه به عقل سنتی رسیدند! انگیزه ئی دگرگونی نام وی موجب سخنان بسیار شده است. اما در اینکه سرمایه دار بزرگ " جورج سوروش " ایشان را پشتیبانی معنوی و مادی کرده است، تردید نیست! بیست و سه - چهار سال پیش ایشان دست در دست آزادی ستیزان، از رهبران انقلاب فرهنگی در تراز دانشگاهی بودند و بی محابا استادان برجسته و میهن دوست را تنها به سبب دگر اندیشی و یا اینکه بیشتر عمرشان را بهر روی در زمان شاه استاد دانشگاه بوده اند و حتی بسبب بستن کراوات! از کار بیکار کرده و بیسوادان اسلامی را بجای آنها مینشانند.

در سایه ئی تلاش های ایشان، يك دانشجوي مثلاً مکانیک هوا و فضا، بایستی چند واحد معارف اسلامی و زبان عربی و میدانم دعای کمیل! را میگذراند. ایشان یکبار هم در پیشگاه ملت ایران، از کارهای تبهکارانه ئی خود پوزش خواست و گناه را بر گردن " آتش انقلاب " انداخت. ایشان نگفت که خود در ردیف هیزم کشان این آتش بوده اند. ایشان دیرتر از همه، زمانی تنها خواجه حافظ شیرازی نمیدانست که " سید خندان " و اصلاحاتش در نظام ولایی راه بجایی نمیرند، جرئت و جسارت خود را از گوشه کنار گرد آورده و يك نامه ئی سرگشاده ئی انتقادی نوشت! آنهم شش سال پس از اینکه خود در شمار تئوری سازان اصلی اصلاح طلبی و دوم خرداد بود! ایشان زمان خوبی را برای پروفیل (برجسته) کردن خود برگزید. کفگیر اسلام ناب محمدی دارد به ته دیگ میخورد و البته " دوستان ما در و رای مانش " میدانند که باید اسلام عزیز و "برکات" آنرا برای دوران " پُست ولایی " نگهداری کرد.

دینیاران داخلی هم که اسلام سنتی را از دست رفته میبینند، دست بدامان پروتستانیسم اسلامی شده و یا لاشه ئی شریعتی را از گور بیرون کشیده و از بازگشت به سرچشمه! (گند آلود) اسلام سخن در میان است. (گو اینکه اصلاً سرچشمه خراب است و مانند مورد مسیحیت، متن و نص صریح قران، نه تنها منجر به بهبود نمیشود، بلکه سر از طالبان ناب در میآورد!) در این میانه، حاج فرج دباغ که به برکت آموزش موثر انگلیسی، ایدئولوگ اسلامی شده و "سروش" وحی ۱ انگلیس گردیده است، " با سوات ترین " اینهاست. ایشان آن ناخدایی هستند که گویا قرار است اگر کشتی اسلام " سنتی " بیش از این گرفتار گرداب ها شود، و کشتیبان! را سیاستی دیگر باید، سکان این کشتی حامل انگل های اسلامی را بدست گرفته و به یاری دست غیب BBC و الخ ، باز هم زین (خوشدوخت تری) بر پشت این ملت بهند. جالب است که برادران مسلمان پس از سال ها محو آثار ملی و خرابی پرسپولیس و ... ستیز با ملیت و مفهوم و نماد های آن، بتازگی ملت و ملیت را باز "کشف" کرده و گاهی نیز سرود " ای ایران " از شبکه های IRIB بگوش میرسد و به بهانه ئی ملا صدرا سریال شاه عباسی و کریم خانی ساخته میشود و طنز نیز پاورچین پاورچین در جام غم ایران! راه پیدا میکند.

دینیاران از هیچ فریب و ترفندی برای خر کردن مردم چشم نمیپوشند و در تراز های گوناگون برنامه فریب را پیاده میکنند. برای کاهش تنش با زنان، بزگوارانه از چند تار موی بیرون آمده از زیر روسری های نازک، چشم پوشی میکنند. برای خر کردن عوام از آخوند های معمولی دوزاری، برای

خر کردن دانش آموز و دبیرستانی از نمیدانم علامه جعفری، برای خر کردن نیرو های اکادمیک مذهبی از امثال حاج فرج دباغ و آجاری! و ... سود میبرند.

هدف اما یکی است: نگه داشتن " برکات (سیاه !) اسلام " (پس از دادن سهم شیر، از جمله " شیر پیر " !). امثال سروش پس انداز ها و سوپاپ های اهل دین برای هرگونه شرایط سخت احتمالی و ممکن هستند که دستکم " بیضه " ی اسلام از دست نرود! اینها در پی نجات اسلام (برای جیب خود)، به بهای فروختن ملت و حقیقت هستند. این ها در پی آنند که چگونه این ۵۰۰۰ فامیل نوکیسه اسلامی بتوانند پول و بخشی از قدرت سیاسی خود را به ساحل نجات نظام " پس از ولایت " برسانند و مانند پینوشه و دوستان شاه، دچار خشم ملت و دادگاه های مردمی و بازخواست نشوند. در اینراه عمله ی اسلام عزیز راه افتاده اند و هر کدام در ترازوی و جایی، سازگار با " استعداد های خود " در حال تبلیغ در همه ی گونه های رسانه های همگانی هستند. آنها میگویند برای مصلحت ایران هم شده! برای حفظ وحدت ملی! بیایید و به پیقنبر و امامان، به معصومیت آنها، با قرائتی دیگر! و اینبار با عقل سنتی (!) روی بیاوریم. از ترس ازدها به مار غاشیه راضی شوید!

آقا جان، ما از همه ی این قرائت ها خسته شده ایم. بیخ ریش خودتان! من تنها یک هشدار به دوستان جوان میدهم: هر که از اسلام (ناب و الخ) سخن گفت، در پی فریب و کنترل روانی شماست! تنها به خرد خود و به دانش نوین متکی باشید و " مرید " هیچکس نشوید. به آنان که دست در دست آخوند ها داده اند و یا داده بودند و اکنون خود را منزله از آنان میدانند ولی باز در پی آوردن اسلام نمیدانم حقیقی، سکولار!، پروتستان، مردمسالار، " کم آخوند"، بی طبقه ی توحیدی، قسط علی، ناب راست و حسینی! و غیره هستند، باور نشاید. هر جا که بوی گند اسلام را شنیدید، آنجا پنهانگاه و لانه ی انگل های اجتماعی و مارهای فریبا و سرچشمه ی ضدیت با انسانیت است.

مزدک

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>